

پیش‌خواب

در حاشیه انتشار زندگینامه‌ای جدید برای دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی

«اراده الهی» بر تاریخ حاکم است

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به حیات،اندیشه‌هاو آثار زنده‌یاد دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی می‌پردازد. این پژوهش از سوی سمانه پایرامی

انجام شده و انتشارات سورره مهر آن را به عنوان یکی از مجلدات مجموعه «شخصیت‌های مانا»ی خوش روانه بازار نشر کرده است. مؤلف کتاب در گفت وشنو با تازنمای ناشر در باب این یادمان اظهار داشته است: «برای من انتخاب این شخصیت، بر اساس علاقه شخصی بوده است. کتاب ایشان با عنوان از پاریز تا پاریس (سفرنامه نامبرده)، برای بنده بسیار جالب بود. شیوه نگارش این اثر به گونه‌ای بود که سفرنامه اسن بطوطه را در ذهنم تداعی می‌کرد. در میان پیشنهاداتی که حوزه هنری ارائه کرده بود، این اثر را انتخاب کردم، چرا که کتاب‌هاو سبک نوشتاری‌اش گیرنده به نظر می‌رسید. علاوه بر قلم وی، ووجه شخصیتی دیگری نیز در آقای باستانی جذاب می‌نمود. همان‌گونه که مستحضر هستید، ایشان فردی بسیار متواضع، مهربان و در عین حال عالم بودند. ویژگی برجسته دیگر، توانایی ایشان در بیان مطالب علمی به زبانی ساده و قابل درک بود. همانطور که در فضای دانشگاهی ملاحظه می‌فرمایید، متأسفانه رویکرد رایج شده است که در آن هر فردی با پیچیدتر سخن گفتن تلاش دارد بر عمق دانش خود تأکید کند؛ زمانی که فردی به دانشگاه می‌رود، ابتدا چنین تصویری دارد که هر چه اصطلاحات تخصصی بیشتری به کار برد، نشان دهنده برتری علمی اوست، اما به تدریج درمی‌یابد که این امر لزوماً صحیح نیست. ایشان به گونه‌ای بودند که مفاهیم علمی یا وقایع تاریخی را با طنز ظریف، قصه‌پردازی و استفاده



► **دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی**

از ضرب‌المثل‌ها تلقیف می‌کردند و بعد به شکلی شیوا در اختیار مخاطب قرار می‌دادند. همین‌طور بیشتر از متن کتاب، خوانند، بانویس‌های موجود در کتاب‌های‌شان برای من جالب بودند و شخصاً علاقه‌مند به مطالعه دقیق این بانویس‌ها بودم. این توضیحاتی که به متن اصلی افزوده شده بود، فاقد آن غرور و منیتی بود که متأسفانه در برخی آثار مشاهده می‌شود. همان‌طور که در متن کتاب هم نوشته‌ام، آقای باستانی پاریزی همان سیره و روش عارفان ایران را در پیش داشتند. ساختار فصل‌بندی کتاب تا حدی براساس شاکله و چارچوب تعیین‌شده از سوی حوزه هنری طراحی شده، اما در مواردی نیز امکان اعمال تغییرات و سلیقه شخصی وجود داشت. برخی از همکاران، بخش زندگینامه را در اولویت قرار می‌دهند. در این اثر، فصل نخست به زندگینامه ایشان اختصاص یافته که از دوران تحصیل در پاریس آغاز شده و تاواپسین سفر ایشان ادامه می‌یابد. فصل دوم به فضایل اخلاقی، خاطرات همکاران، دوستان و دانشجویان ایشان پرداخته است. فصل سوم نیز به اندیشه‌های ایشان اختصاص دارد، زیرا هر نویسنده‌ای دارای بنیان‌های فکری خاصی است که براساس آن می‌نگارد و ایشان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. ایشان معتقد بودند که اراده الهی بر تاریخ حاکم است. علاوه بر این، باوری که در تمامی آثار ایشان مشهود است، این است که مردم باید از تاریخ آگاه شوند، اما پرسش اینجاست که چگونه؟ متون سنتی تاریخ، اغلب برای عموم مردم قابل درک نیست. ایشان تلاشی می‌کردند که وقایع و خنده‌های مهم تاریخی را بر زبانی ساده انتقال دهند. به گمانم این مهم‌ترین ویژگی ایشان بود. توانایی ترکیب پیچیدگی‌ها و تلخی‌های تاریخ با زبانی شیرین و طنزآمیز و ارائه آن به شکلی ساده به مخاطب، این امر در زمانه ما نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم تنها زمانی به مطالعه تاریخ روی می‌آورند که خوانش آن برای‌شان لذت‌بخش باشد...»



اعتصاب ۶۲روزه مطبوعات

شکست زورمداری رسانه‌ای پهلوی دوم

جرایدی که با پشت کردن به شاه شمارگان میلیونی یافتند!

■ سمانه صادقی

در ۱۵ آبان ۱۳۵۷، اعتصاب مطبوعات پر مخاطب کشور، در اعتراض به سانسور و زورمداری رسانه‌ای رژیم شاه آغاز شد و مورد استقبال اقشار گوناگون جامعه قرار گرفت. با این همه در باب این اعتصاب، گمانه‌های متنوعی مطرح است که بررسی آن در فرآیند تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ضرور می‌نماید. مقال بی‌آمده با استناد به شواهد در بررسی این موضوع به نگارش درآمده است؛ امید آنکه علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ وقتی روزنامه‌ها، فرمانداری نظامی تهران را فرو نهادند!

در پی سقوط دولت جعفر شریف امامی و شکست سیاست «آشتی ملی»، پهلوی دوم نقاب از چهره برداشت و آن واقعی خویش را نمایان ساخت؛ تشکیل دولت نظامی و سایه تحکیم آن بر سر همه اقشار جامعه از جمله خبرنگاران از پیامدهای رویکرد جدید به شمار می‌رفت، این در حالی بود که همزمان، شاه با پخش نطق پوزش، سیاست فریب مردم انقلابی را در پیش گرفته بود. در این میان، مردم رشد فکری و سیاسی خود را نشان دادند و ایسن همه را به هیچ گرفتند! روزنامه‌نگاران نیز نه تنها به دستورات اعتصاب کوتاه‌مدت نظامی واقعی ننهادند، بلکه تصمیم گرفتند تا با بر زمین نهادن قلم آنچه را که رژیم در پی القای آن به جامعه بود، منعکس نسازند. در مقالی بر تارنمای مرکز بررسی و خیر تاریخی وزارت اطلاعات به تاریخ ۱۸ مهر ۱۴۰۴، در این فقره آمده است: «یکی از ابزارهای مهم نهضت اسلامی در سال ۱۳۵۷ اعتصاب بود. پاییز و زمستان آن سال، دوران شدت اعتصاب‌ها از سوی اقشار و صفوف مختلف است. اهل قلم و مطبوعات برای مقابله با سانسور سالیان دراز در دوران پهلوی اینک به مقابله برخاسته بودند و می‌خواستند همگام با مردم مسلمان انقلابی، حقایق نهضت را آنگونه که اتفاق افتاده در صفحات خود نشر دهند. نخستین اعتصاب کوتاه‌مدت مطبوعات از ۱۹ تا ۲۲ ت مهرماه و دومین اعتصاب که تا حدی با همکاران، بخش زندگینامه را در اولویت سوی حوزه هنری طراحی شده، اما در مواردی نیز امکان اعمال تغییرات و سلیقه شخصی وجود داشت. برخی از همکاران، بخش زندگینامه را در اولویت قرار می‌دهند. در این اثر، فصل نخست به زندگینامه ایشان اختصاص یافته که از دوران تحصیل در پاریس آغاز شده و تاواپسین سفر ایشان ادامه می‌یابد. فصل دوم به فضایل اخلاقی، خاطرات همکاران، دوستان و دانشجویان ایشان پرداخته است. فصل سوم نیز به اندیشه‌های ایشان اختصاص دارد، زیرا هر نویسنده‌ای دارای بنیان‌های فکری خاصی است که براساس آن می‌نگارد و ایشان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. ایشان معتقد بودند که اراده الهی بر تاریخ حاکم است. علاوه بر این، باوری که در تمامی آثار ایشان مشهود است، این است که مردم باید از تاریخ آگاه شوند، اما پرسش اینجاست که چگونه؟ متون سنتی تاریخ، اغلب برای عموم مردم قابل درک نیست. ایشان تلاشی می‌کردند که وقایع و خنده‌های مهم تاریخی را بر زبانی ساده انتقال دهند. به گمانم این مهم‌ترین ویژگی ایشان بود. توانایی ترکیب پیچیدگی‌ها و تلخی‌های تاریخ با زبانی شیرین و طنزآمیز و ارائه آن به شکلی ساده به مخاطب، این امر در زمانه ما نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. مردم تنها زمانی به مطالعه تاریخ روی می‌آورند که خوانش آن برای‌شان لذت‌بخش باشد...»

جرایید در فردای خروج از اعتصاب، قدرتی کم‌پدیل یافتند. چه‌می‌توانستند سخن مردم باشندو منویات رهبر انقلاب اسلامی را با جزئیات آن انعکاس دهند.

این امر موجب شد تا جامعه نیز به آنان اقبال یابد و تیراژشان را به بالای یک میلیون نسخه در روز برساند. به واقع روزنامه‌ها در آن روزگاران، به بولتنی عمومی برای انقلاب تبدیل شدند و اخبار و مسائل این رویداد عظیم را در سراسر کشور می‌پراکندند

تاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



۱۳۵۷ دی ۱۶، چاپخانه روزنامه کیهان، انتشار نخستین شماره این جریده در پی پایان اعتصاب مطبوعات

فرح پهلوی» بیان داشته است. وی اگر چه معتقد است که اعتصاب مطبوعات باب طبع دولت‌ازهار ی نیز بود، اما نهایتاً خواسته آنان را برآورده نساخت و حرکت جمع‌آوری کرده و آنگاه تعدادی از روزنامه‌نگاران را دستگیر و بازداشت کرد. در میان دستگیرشدگان، روزنامه‌نگارانی از روزنامه‌های کیهان و اطلاعات نیز دده می‌شدند که به اتهام انتشار خبری در مورد امام خمینی در بازداشت به سر می‌بردند. بدین ترتیب بار دیگر همان شیوه نظارت و سانسور شدید سال‌های پیشین، بر مطبوعات حکمفرما و این موضوع بهانه‌ای شد تا حلقه سانسور از سوی فرمانداری نظامی تنگ و تنگ‌تر شود، تا آنجا که به روزنامه کیهان و اطلاعات اخطار شد که قبل از چاپ هر مطلبی، مضمون آن باید به اطلاع فرمانداری نظامی برسد؛ در آن شرایط پذیرش چنین حکم امرانه‌ای، نمی‌توانست مورد قبول اهل قلم و مطبوعات قرار گیرد. بنابراین بار دیگر با اعتصابی طولانی‌تر از قبل، مبارزه دربرخ خود را علیه سانسور ابراز داشتند. این اعتصاب، مورد حمایت روزنامه‌های کیهان، اطلاعات و آیندگان قرار گرفت. بدین ترتیب اعتصاب ۶۲روزه مطبوعات شکل گرفت. از این رو مأموران فرماندار نظامی تهران، کارکنان مؤسسه‌های مطبوعاتی کیهان، اطلاعات و آیندگان را زیر فشار مستقیم دولتی برداشته شد و مطابق تصمیمات نظامی و انتشار خبرها و مطالبی شدند که خود القا می‌کردند. همچنین در ادامه گروهی از نویسندگان و خبرنگاران را بازداشت کردند تا دست‌کم ترسی بر اعتصابیون وجود داشته باشد، اما اعتصابی‌های روزنامه آیندگان، تقریباً همگی به شدت مقاومت کردند و نیز اعتصابی‌های روزنامه و چاپخانه کیهان نیز حاضر به هیچ اقدامی موافق نظر فرماندار نظامی تهران نشدند. بدین ترتیب اعتصاب بزرگ مطبوعات آغاز شد و در مجموع تا استعفا دولت‌ازهار ی و روی کار آمدن شاپور بختیار، به مدت ۶۲روز ادامه داشت. دولت‌ازهار ی در تاریخ ۱۶دی ۱۳۵۷ ساقط و در نتیجه سانسور دولتی برداشته شد و مطابق تصمیمات سندیکای نویسندگان و روزنامه‌نگاران و نیز پیام امام خمینی(ره) از پاریس مبنی بر پایان بخشیدن به اعتصاب آغاز فعالیت مطبوعات اعلام شد و در همان روز، پیروزی دوباره مطبوعات بر سانسور دولتی خود را نشان داد...»

■ روزنامه‌نگاران قصد داشتند تا گذشته خویش را جبران کنند!

اسکندر دلدل از روزنامه‌نگاران پرسابقه کشور، خاطرات و مشاهدات خویش را از اعتصاب تاریخی مطبوعات در آبان ۱۳۵۷، در مجموعه سه جلدی «من



۱۳۵۷ دی ۱۶، نمای از استقبال عمومی از مطبوعات در پایان اعتصاب ۶۲روزه

د

شکست ترفند «آشتی ملی»، موجب شد تا پهلوی دوم آن واقعی خویش را نمایان سازد. تشکیل دولت نظامی و سایه تحکیم آن بر همه از جمله جراید، از پیامدهای این رویکرد بود. جالب بود که همزمان شاه با پخش نطق پوزش، سیاست فریب مردم انقلابی را در پیش گرفت. روزنامه‌نگاران نه تنها به دستورات فرمانداری نظامی واقعی ننهادند، بلکه تصمیم گرفتند تا با اعتصاب، آنچه را که رژیم در پی القای آن به جامعه بود، منعکس نسازند

غیرقابل کنترل جلوگیری و یک سری نشریات کاملاً کنترل شده، جای آنها را بگیرند! حال اگر این سناریوی از پیش طراحی شده، نتیجه نداد و طرح تیمسار اویسی شکست خورد، علش را باید در سرعت حوادث و جلوگیریون مردم از مطبوعات و محافل دولتی و حکومتی و مهم‌تر از همه مشیت الهی دانست: خمیرمایه دکان شیشه گرسنگ است عدو شود سبب اگر خدا خواهد اصولاً چون مشتی نادان در آن ایام دایر مدار امور مملکت شده بودند با آن دستپاچگی و هول و هراس، هر طرحی که می‌ریختند و دست به هر عملی که می‌زدند، نتیجه عکس می‌داد؛ من در اینجا یک‌بار دیگر تأکید می‌کنم که توده‌های مطبوعاتی از روی صفای دل و صداقت دست به این اعتصاب زدند و این احساس را داشتند که در گذشته همراه و همگام با هموطنان خود نبوده‌اند و در این اوضاع و احوال که هر جمعیت، گروه، سازمان، اداره دولتی و بخش خصوصی، با تظاهرات، اعتصاب و فعالیت‌های انقلابی نقشی و سهمی در مبارزه با رژیم ایفا می‌کند، آنها هم باید به هر حال کاری انجام بدهند...»

■ مردم با کمک‌های مالی خویش، مانع از شکسته‌شدن اعتصاب شدند

زنده‌یاد حسین مهدیان، از بازار گشتان انقلابی و مبارزی بود که در فرآیند اعتصاب ۶۲روزه مطبوعات، نقشی مهم و تاریخی ایفا کرد. وی علاوه بر حضور مداوم در سندیکای مطبوعات و حل مشکلات مالی روزنامه‌نگاران و جلوگیری از شکست این حرکت، در ایجاد ارتباط میان مسئولان جراید با روحانیان انقلابی نقشی مؤثر ایفا کرد. آن مرحوم در یکی از گفت و شنوندهای تاریخی خویش، در این خصوص اظهار داشته است: «بعد از اینکه بعضی از روزنامه‌های عصر، عکس حضرت امام را با اندازه بزرگ چاپ کردند، رژیم عده‌ای از مأموران خود را برای سانسور به مطبوعات فرستاد؛ مطبوعات هم در اعتراض به حضور ارتشی‌ها در محل کار خود اعتصاب کردند. هنگامی که اعتصاب به درازا کشید، کارکنان مطبوعات تحت فشار مالی قرار گرفتند و هر لحظه بیم آن می‌رفت که اعتصاب شکسته شود و رژیم به هدف خود برسد. من همراه آقایان احمد صدر، حاج‌سیدجوادی و حاج محمود مانیان، کمیته‌ای تشکیل دادیم و با کمک سندیکای روزنامه‌نگاران، نیازهای مالی کارکنان مطبوعات را تأمین کردیم. البته بخش اعظم این کمک‌های مالی، از طریق قبض‌هایی که در مساجد بین مردم توزیع می‌شدند، گردآوری می‌شد. وقتی ۱۶روز از اعتصاب گذشت، احساس کردیم پیام انقلاب، باید به شکلی شفاف به مردم رسانده شود. از طریق توزیع ران، نشریه‌ای با عنوان «شهادت از طریق مطبوعات می‌شد این کار را انجام داد؛ شرکت سردبیران و معاونان روزنامه‌ها، با اعضای شورای انقلاب و نظام آینده را برای حضار مباحثی شهید آیت‌الله بهشتی، شهید آیت‌الله مفتح و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی فلسفی تشکیل شود. در آن جلسه، شهید بهشتی مباحث نظیر انقلاب و نظام آینده را شروع به انتشار می‌توانی دادند. سخنان ایشان در همراه کردن مطبوعات با انقلاب، نقش بسیار مؤثری داشت و قرار شد روزنامه‌ها از فردای آن روز بار دیگر کارشان را شروع کنند. همان شب شهید مطهری با پاریس تماس گرفتند و فردا صبح تلفنی پیام امام را برای من خواندند که من به روزنامه‌ها دادم و چاپ شد...»

■ در ۷۰سال مشروطه، ۷۰روز هم آزادی نداشتیم!

به هر روی اعتصاب ۶۲روزه مطبوعات، به نتیجه مطلوب رسید و دولت بختیار در برابر موج عظیم و فوئنده انقلاب اسلامی، چاره‌ای جز عقب‌نشینی نیافت. هم از این روی مطبوعات شاخص کشور، بار دیگر کار خود را از سر گرفتند و در آغازین روز از انتشار مجدد خویش در باب تاریخچه سانسور و شرایط آن روز جراید، مطالب متنوعی منتشر ساختند. میثم غلامپور، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران ایسن واکنش‌ها را به ترتیب بی‌آمده گزارش کرده است: «روزنامه‌اطلاعات پس از پایان اعتصاب، به شکلی پر و پیمان از جنبه‌های مختلف به این حرکت و نتایج آن پرداخت. از روز بیست و سوم همراه که روزنامه‌ها دوباره به میان مردم آمدند، تا حدود یک هفته بعد شاهد اخبار،

گزارش‌ها، مقالات و یادداشت‌های متعددی درباره اعتصاب مطبوعات در این روزنامه هستیم. اعتصاب مطبوعات به پیروزی کامل رسید، تیتیر اصلی روزنامه اطلاعات در نخستین روز پس از پایان اعتصاب بود و در کنار آن به حمایت بی‌درغ مردم، بازاریان، دانشگاهیان، جمعیت‌ها و شخصیت‌های سیاسی واجتماعی از اولین اعتصاب کارکنان مطبوعات اشاره شده است. عکس نیم صفحه نخست این روزنامه هم در همراهی با این تیترها، گروهی از نمایندگان دانشگاهیان را نشان می‌دهد که برای اعلام همراهی و همبستگی خود با اعتصاب‌کنندگان، به تحریریه اطلاعات رفته بودند. در صفحه چهار این شماره از اطلاعات، گزارشی با عنوان ماجرای اعتصاب کارکنان مطبوعات آمده که نویسنده آن بیشتر به اعلام همراهی و همبستگی شخصیت‌های مختلف حقیقی و حقوقی از اعتصاب مطبوعات پرداخته است. از علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی، کریم سنجابی، شمس‌الاحمد، سیمین دانشور و هما ناطق گرفته تا مدرسان حوزه علمیه قم، کانون وکلا و جمعیت حقوق‌دانان، رئیس و نمایندگان مجلس شورای ملی، نمایندگان دبیرستان‌هایی مثل البرز و خوارزمی و دانشگاهی‌های مثل علم و صنعت، صنعتی اریامهر (صنعتی شریف فعلی)، تهران و ملی (شهید بهشتی فعلی). در این صفحه همچنین یادداشتی کوتاه و گزارشی با عنوان «اعتصاب ما چرا و چگونه آغاز شد؟» آمده که شرح کوتاه از ماجرای حضور مأموران و اعتصاب و در نهایت مذاکرات دولت و مطبوعات را شامل می‌شود. در میان روزنامه‌هایی که روز بیست و سوم همراه ۱۳۵۷ منتشر شدند، شاید جذاب‌ترین تیتیر به روزنامه کیهان تعلق داشت: «پایان یک قرن سانسور». اعتصاب مطبوعات جددا از این تیتیر، در تیتیرهای دیگر صفحه نخست آن شماره کیهان هم سهم داشت. اعلامیه دولت: «دولت تضمین می‌کند هیچ‌گونه اعمال نفوذ و دخالت مستقیم و غیرمستقیم در مطبوعات صورت نگیرد». «مطبوعات آزادی خود را پس گرفت»، «گفت‌وگوی نویسندگان و نخست‌وزیر و وزرا در ۷۰سال مشروطه. روز هم آزادی نداشتیم»، «زمون‌یز مشاور: آزادی کامل مطبوعات ممکن است ضرراتی به ما وارد سازد، باید این ضررات را تحمل کنیم»، «دبیر سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات: اعتصاب مطبوعات صددرصد سیاسی بود» و سرانجام اعلامیه دولت مبنی بر اینکه «برابر قانون اساسی، دولت آزادی مطبوعات را تضمین می‌کند.» در کنار این تیتیرها، عکسی از هما ناطق در حال سخنرانی و اعلام همبستگی با مطبوعات، در تحریریه کیهان نیز جلب توجه می‌کند...»

■ **مطبوعات پساععتصاب، به مثابه صدای انقلاب اسلامی**
جراید در فردای خروج از اعتصاب، قدرتی کم‌پدیل یافتند. چه می‌توانستند سخن مردم باشند و منویات رهبر انقلاب اسلامی را با جزئیات آن انعکاس دهند. این امر موجب شد تا جامعه نیز به آنان اقبال یابد و تیراژشان را به بالای یک میلیون نسخه در روز برسانند. به واقع روزنامه‌ها در آن روزگاران، به بولتنی عمومی برای انقلاب تبدیل شدند و اخبار و مسائل این رویداد عظیم را در سراسر کشور می‌پراکندند. اسکندر دلدل در باب این موضوع خاطرنشان ساخته است: «در مدتی که روزنامه‌ها توقیف بودند، مردم قلل رفیع پیروزی را پشت‌سر گذاشتند و تا آنجا پیش رفتند که مجسمه‌های شاه را از پایین کشیدند و به حذف آثار و علائم رژیم شاهنشاهی پرداختند. به هر حال چی‌هایی که مردم موقعیتی برای شکستن اعتصاب و بیرون آمدن از لاک بی‌کاری بودند، در ۱۶ دی ۱۳۵۷ مجدداً روزنامه‌های‌شان روی میز روزنامه فروش‌ها قرار گرفت. در فاصله ۱۶ دی تا ۲۲ بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی، زمام امور از دست رژیم خارج شده بود و نیروهای امنیتی و گارد شاهنشاهی، بیشترین کوشش و تلاش را صرف حفاظت از کاخ‌های شاه و محافظت از جان او و خانواده‌اش می‌کردند و برای کسی مهم نبود که انقلاب از جمله شهید آیت‌الله کیهان آن شعار مرگ برشاه می‌دهند، در روزنامه‌های آن چه می‌نویسند یا همین خاطر روزنامه‌ها را چاپ مطالب مورد توجه مردم، توانستند تیراژ خود را به بالاترین سطح در روز برسانند؛ کیهان یک میلیون و ۱۰۰ هزار نسخه، روزنامه اطلاعات یک میلیون و ۸۰۰ هزار نسخه و آیندگان ۴۰۰ هزار نسخه در روز چاپ می‌شد. در آن ایام، اعتصاب یک اقدام مخالفت‌آمیز با رژیم شاه ارزیابی می‌شد و از اعتصاب مطبوعات هم به همین تعبیر در جامعه استقبال شد و مردم به واسطه اعلام همکاری و همیاری روزنامه اطلاعات با سایر روزنامه‌های اعتصابی، خاطره مطلب توهین‌آمیزی را که در روزنامه اطلاعات چاپ شده بود، به حافظه تاریخ سپردند و در مجموع مطبوعات به افشش ملت صاحب‌یک ساعت‌ه مطبوعاتی- که در محل پایوبین سلطنتی فردگاه مه‌آباد تهران برگزار شد- کشور را ترک کرد و به مصر رفت. روزنامه اطلاعات با بزرگ‌ترین تیتیر تاریخ مطبوعات ایران، یعنی تیتیر ۱۰ ستونی، خروج شاه از ایران را چاپ کرده نوشت: شاه قتما مردم تیتیر روزنامه اطلاعات را دستکاری کرده و با افزودن کلمه در آن را به صورت «شاه در رفت» درآورده و در خیابان‌ها و معابر بالای سر گرفته، ابراز ششامی می‌کردند. همین روزنامه‌خبر ورود امام را نیز با همین حروف درشت چاپ کرد. روزنامه‌ای که چند ماه قبل از آن، مطلب زنده و توهین‌آمیزی علیه امام را منتشر کرده بود...»